

رساله لرستان و لر ها

نوشته

ولادیمیر میوزسکی

همراه با سفرنامه بارون دود

ترجمه

دکتر سکندر امان الهی بهاروند

لیلی بختیار



انتشارات آرون

سرشناسه

: مینورسکی، ولادیمیر فنودوروویچ، ۱۸۷۷ - ۱۹۶۶ م.

Minorskii, Vladimir Fedorovich

عنوان و پدیدآور

: رساله لرستان و لرها: همراه با سفرنامه بارون دوید /

نوشته ولادیمیر مینورسکی؛ ترجمه سکندر امان‌اللهی
بهاروند، لیلی بختیار.

: تهران: آرون، ۱۳۹۳.

مشخصات نشر

: ۱۲۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

مشخصات ظاهری

: ۳ - ۲۵۷ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸.

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

: همراه با سفرنامه بارون دوید.

عنوان دیگر

: دوید، کلمنت اوگاستس - سفرها - ایران - لرستان.

موضوع

: سفرنامه‌ها - لرستان - سیر و سیاحت.

موضوع

: دوید، کلمنت اوگاستس.

شناسه افزوده

DeBode, Clement Augustus:

شناسه افزوده

: امان‌اللهی بهاروند، سکندر، ۱۳۱۶، مترجم.

شناسه افزوده

: بختیار، لیلی، ۱۳۳۰، مترجم.

شناسه افزوده

: ۱۳۹۳ ر ۵ / ۸۶ د / ۱۴۸۱ DSR

رده‌بندی کنگره

: ۹۵۵ / ۰۸۲۰۴۲:

رده‌بندی دیویی

: ۳۶۹۹۸۱۸:

شماره کتابخانه ملی

رساله لرستان و لرها

نوشته: ولادیمیر مینورسکی

ترجمه: دکتر سکندر امان‌اللهی بهاروند و لیلی بختیار

ناشر: انتشارات آرون

حروفچینی: نشر آرون

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپ مدبران: ۵۰۰ نسخه

۸۰۰۰ تومان

فهرست

۵	زندگی نامه پروفیسور مینورسکی
۹	لرستان
۱۲	لرستان در روزگار باستان
۱۷	اقتصاد
۱۸	قوم لُر (لرها)
۱۹	وجه تسمیه لرها
۲۰	لرها از نظر قوم شناسی
۲۳	الف - ممسنی ها
۲۳	ب - لرهای کهگیلویه
۲۴	ج - طوایف بختیاری
۲۴	د - طوایف لرستان
۲۶	مذهب
۲۷	زبان لری

۲۸	الف - صرف و نحو
۲۹	ب - لغت
۳۰	ادبیات
۳۱	تاریخ
۳۴	دوران صفویه
۳۵	بعد از صفویه
۴۰	اتابکان لر بزرگ و لر کوچک
۴۰	الف - اتابکان لر بزرگ
۴۷	ب - اتابکان لر کوچک
۵۵	حواشی و توضیحات مترجم
۶۷	سفرنامه بارون دوبد
۶۸	فصل بیست و ششم
۷۲	شانزدهم فوریه
۸۲	هیجدهم فوریه
۸۴	فصل بیست و هفتم
۸۷	بیست فوریه
۹۱	فصل بیست و هشتم
۱۰۰	فصل بیست و نهم
۱۱۱	محصولات منطقه
۱۱۲	صفات لرها
۱۱۴	مذهب و آداب و رسوم
۱۱۶	حواشی و توضیحات مترجمین

به نام خدا

زندگی نامه پروفیسور مینورسکی

زندگی نامه شادروان پروفیسور مینورسکی به وسیله سیدحسن تقی زاده و مجتبی مینوی (یادنامه ایرانی مینورسکی دانشگاه تهران: ۱۳۴۸) و همچنین آقای دکتر ابوالقاسم طاهری (سیر فرهنگ ایران در بریتانیا، ص ۲۵۴ - ۲۶۸) نگاشته شده است که در اینجا خلاصه ای از گفتار نامبردگان را نقل می کنیم. مرحوم تقی زاده در این باره می نویسد:

مینورسکی در سال ۱۹۰۴ مسیحی از روسیه به تبریز آمد و به اصطلاح آن زمان نایب جنرال قونسولگری روس در آنجا بود. مشارالیه در پنجم ماه فوریه سنه ۱۸۷۷ مسیحی در قصبه کرچوا در کنار رودخانه ولگا (که حالا آن قصبه در قعر دریای مسکو رفته و از آب پوشیده شده) متولد شده بود و تحصیلات مقدماتی خود را در مسکو به پایان رسانده بود و در دانشگاه آن شهر چهار سال، از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۰ تحصیل علم حقوق کرد و بعد در مؤسسه

لازارف سه سال متوالی زبان‌های شرقی را تحصیل کرد. در سال ۱۹۰۳ مسیحی وارد وزارت خارجه روس شد. از سنه ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ در ایران خدمت کرد و پس از آن در پترزبورگ و ترکستان مشغول خدمت بود. در سنه ۱۹۱۲ در سفارت روس در تهران و بعد از چندی هم در سفارت کبرای روس در اسلامبول بود و در آن اوقات مأموریت تحدید حدود ایران و عثمانی را در جزو کمیسیون مختلطی به اتفاق سر آرنولد ویلسون انگلیسی و مرحوم اعتلاءالملک یافت. بعداً باز در سفارت روس در تهران مشغول بود تا آنکه پس از انقلاب روسیه چندی شارژ دافر روس در تهران شد و بعد به پاریس رفت و چندی بعد در آنجا به کار تدریس فارسی در مدرسه السنه شرق زنده اشتغال پیدا کرد. از سال ۱۹۳۲ مسیحی در مدرسه مطالعات شرقی لندن^۱ استادی زبان فارسی یافت و در سنه ۱۹۴۴ متقاعد [بازنشسته] شد (یادنامه ایرانی مینورسکی ص الف و ب).

به طوری که آقای دکتر طاهری نوشته‌اند، پروفیسور مینورسکی پس از بازنشستگی، در کمبریج گوشه‌نشینی اختیار کرد و سپس در سال ۱۹۴۸/۴۹ در دانشگاه فواد اول در قاهره به تدریس اشتغال ورزید. گرچه از این تاریخ به بعد در کلاس درس شرکت نکرد، با این حال، تا آخرین لحظه عمر دست از پژوهش برنداشت. در سایه همین پشتکار بود که وی بیش از دویست مقاله و کتاب از خود به جای گذاشت.

مینورسکی به زبان‌های روسی، فرانسه، انگلیسی، فارسی، آلمانی، ترکی و حتی ارمنی و گرجی تسلط داشت و اما بیشتر مطالب خود را به فرانسه و انگلیسی نگاشت. همان‌طوری که در پیش گفته شد وی تألیفات

زیادی دارد که از آن جمله اند:

۱. کتاب مربوط به «اهل حق» در سال ۱۹۲۲ میلادی به زبان فرانسه.
۲. تاریخچه نادرشاه (ترجمه رشید یاسمی).
۳. سازمان اداری حکومت صفوی، با تحقیقات و حواشی تعلیقات بر تذکره الملوک. (ترجمه مسعود رجب نیا).
۴. تصحیح حدود العالم
۵. سفرنامه ابودلف
۶. لرستان و لرها به زبان فرانسه (در دایرةالمعارف اسلام چاپ لیدن).
- پروفیسور مینورسکی در بیست و پنجم ماه مارس سال ۱۹۶۶ میلادی (برابر با پنجم فروردین ماه ۱۳۴۵ خورشیدی) دیده از جهان فرو بست.

مترجم



لرستان

لرستان سرزمین قوم لر در جنوب غربی ایران قرار دارد و در عهد مغول تحت عنوان لر بزرگ و لر کوچک شناخته می شد. اما از زمان صفویه به بعد منطقه لر بزرگ به بختیاری و کهگیلویه موسوم گردید. از اوایل قرن هیجدهم اتحادیه ممسنی ناحیه شولستان را به تصرف خود درآورد و در نتیجه سومین منطقه لرنشین بین کهگیلویه و شیراز بوجود آمد. منطقه لر کوچک نیز از قرن شانزدهم میلادی به بعد به لرستان معروف گردید و برای احتراز از اشتباه آنجا را لرستان فیلی خواندند. لرستان فیلی در قرن نوزدهم^۱ بدو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم شد. حد میان دو منطقه کبیر کوه است.^۲ امروزه لرستان در اصطلاح فقط شامل پیشکوه است و پشتکوه را سرزمین فیلی ها می نامند.^۳

مناطق ممسنی و کهگیلویه اکنون جزو استان فارس به شمار می آید^۴ و

مرکز ممسنی‌ها فهلیان است. منطقه کهگیلویه (کوه جیلویه یا کوه گلو) از ناحیه باشت واقع در غرب فهلیان تا بهبهان امتداد دارد و شهر بهبهان مرکز عمده طوایف کهگیلویه است. طوایف لر منطقه کهگیلویه حتی تا کناره‌های خلیج فارس پراکنده هستند. تاکنون منطقه کهگیلویه و منطقه‌ای که بین کهگیلویه و بختیاری است به‌طور شایسته مورد بررسی قرار نگرفته است. رودهای عمده کهگیلویه عبارت است از آب شیرین که از به هم پیوستن رود خیرآباد و رود زهره تشکیل یافته و مسیر آن در قسمت سفلی از طریق زیدان و هندیان و آب کردستان (یا جراحی) امتداد می‌یابد. در مسیر بعدی یک شاخه از آن به کارون می‌پیوندد و شاخه دیگر به طرف دورگ روان می‌شود (برای اطلاع بیشتر رک: فارسنامه ناصری تألیف حسن فسانی چاپ تهران ۱۳۱۳ و سفرنامه‌های Haussknecht Stocqueler همچنین نوشته‌های ولز، هرتسفلد، برای اطلاعات عمومی رک: جلد اول ص ۲۵۱ و ۲۸۹ و جلد دوم ۳۲۷ و ۳۹۸ از کتاب دو بد (de Bode)).

سرزمین بختیاری از چهارمحال (غرب اصفهان) تا شوشتر کشیده شده و از طرف جنوب به کهگیلویه و از شمال به سرحد شمالی لرستان (اشترانکوه) محدود است. ولی بختیاری‌ها در فریدن - بروجرد، بربرود جاپلق و نواحی اطراف بروجرد سکونت دارند (پیش از سال ۱۸۴۰ محمدتقی‌خان چهارلنگ در نواحی بروجرد تعداد زیادی روستا خریده بود). به‌طور کلی سرزمین بختیاری شامل منطقه بین قسمت سفلی حوضه زاینده‌رود و رود کارون (تا بالای شوشتر) است. نوشته‌های کسانی چون لایارد^۵، سویر^۶، خانم بیشاپ^۷، لرد کرزن^۸ و دیگران اطلاعات دقیقی راجع به پیرامون این منطقه در بردارد. و در مرکز بختیاری کوه‌رنگ به ارتفاع

۱۲۸۰۰ پا قرار دارد که آبریز بین خلیج فارس و قسمت مرکزی فلات ایران را تشکیل می‌دهد (بعید نیست این کوه اسم خود را از واژه مغولی «کورن» که معنی اردوگاه را می‌دهد گرفته باشد). سرزمین بختیاری به وسیله رود دز از لرستان جدا می‌شود.

لرستان (پیشکوه) محدود است از مشرق به آب دز، از شمال به سلسله کوه‌های چهل نابالغان و کوه گرو [گرین] (که لرستان را از نهاوند و سیلاخور جدا می‌کند) از جنوب به رودخانه (صیمره) و پشتکوه و از شمال غربی به هرسین (در استان کرمانشاه). (کرخه یا صیمره بزرگترین رود در لرستان است که از پیوستن چند رود به وجود آمده است). یکی از رودهای فرعی که از سوی چپ به کرخه می‌ریزد رود کشکان است (راولینسون آن را کشکن نامیده است) که از دو شاخه شمالی و جنوبی تشکیل شده است. سرچشمه شاخه شمالی هرو - الشترخواه است. شاخه جنوبی به وسیله کوه یافته از شاخه شمالی گسسته از میان شهر خرم‌آباد می‌گذرد (و به همین نام خوانده می‌شود). پیوستن دو شاخه شمالی و جنوبی در نزدیکی تنگ کلهررود کشکان را تشکیل می‌دهد که جریان آن به سوی جنوب غربی است. در فاصله‌ای دورتر در نزدیکی افرینه آب‌های کوگان، و طائی که از کوه هفتاد پهلو (هشتاد پهلو) و سراشیبی قسمت شمالی کوه گرد سرچشمه می‌گیرند به کشکان می‌پیوندند. اندکی پایین‌تر مادیان رود نیز از سوی غرب به کشکان می‌ریزد و سرانجام این رود در محل پل گامیشو به کرخه می‌پیوندد. به غیر از رود کشکان رودهای فرعی کوچک‌تری در مشرق پل گامیشو به کرخه می‌ریزد که عبارتند از آب تنک فنی، آب لثم و آب زال. آب زال که شاخه آن آب انارکی (?) است از کوه گرد سرچشمه می‌گیرد.

آگاهی ما از کناره راست رود دز بسیار اندک است. بالارود و قیرآب که سرچشمه آنها در فاصله نسبتاً زیاد در سمت شمال قرار دارد در غرب رود دز در جریان هستند. آب بالارود در فاصله بین دزفول و شوش به رود دز می‌ریزد. رود کول آب (؟) که از منگهر سرچشمه می‌گیرد به علت قله‌های بلندی که چونان باروئی دو سوی آن را فرو گرفته باعث شده که حوضه بالا رود از رود زال جدا شود. دشت صحرای لور که در شمال دزفول و در جنوب قیر آب قرار دارد در قدیم پاریاب بوده است. در قیرآب دو چشمه نفت وجود دارد که از دیرباز ساکنان آنجا با آن آشنایی داشته‌اند. احتمالاً قیرآب همان محلی است که داریوش دسته‌ای از یونانیان را در آنجا اسکان داده بود (رک: ریتز^۹ جلد نهم، ص ۲۰۱).

در قسمت داخلی لرستان سلسله کوه‌هایی وجود دارد که از سوی شمال غربی به جنوب شرقی امتداد یافته‌اند (جهت این کوه‌ها با سایر کوه‌های ایران یکسان است). این کوه‌ها در امتداد هم هستند و ارتفاع برخی از آنها تا ۹۰۰۰ پا می‌رسد.

لرستان در روزگار باستان

مناطق که امروزه لر‌ها در آن بسر می‌برند مدت‌ها پیش از کوچ ایرانیان مسکون بوده است.^{۱۰} این مناطق دور از دسترس آشوری‌ها و بیشتر زیر نفوذ ایلامیان بوده است. در شوش که تقریباً در گذرگاه کوه‌های لر کوچک (لرستان فعلی) قرار دارد آثاری به دست آمده که نشان می‌دهد این شهر در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد آباد بوده است. خالص‌ترین آثاری که از فرهنگ محلی بجا مانده بیشتر در جنوب شرقی این منطقه است. همان‌طور که اتابکان

لر بزرگ، ایزه (مالمیر) را به پایتختی خود انتخاب کرده بودند یقیناً در کهن‌ترین روزگاران فرمانروایان لرستان یعنی پادشاهان ایپیر^{۱۱} (یا هیپیرتی؟) صرف‌نظر از ارتباطی که با شوش داشتند، دست‌کم جلگه رود کارون را زیر نفوذ گرفته بودند. آثار باستانی مالمیر که شامل کتیبه و حجاری است مربوط به تمدن بومیان این سرزمین یعنی ایلامیان است و ربطی به سامی‌ها ندارد. (رک: دوبد، لایارد، ژاکویه، هوسنیک^{۱۲} (ص ۱۳۲-۱۴۳) از کتاب مأموریت به ایران - تألیف دو مرگان).

اکتشافات اخیر هرتسفلد^{۱۳} در منطقه ممسنی شامل حجاری و لوحه‌های گلی، دارای نوشته ایلامی مربوط به ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد است. این نشانه‌ها روشن‌گر آنست که تا چه حد ایلامیان در دل کوه‌های لرستان نفوذ داشته‌اند کهگیلویه که بین سوزیان و پارس قرار داد ممکن است همان منطقه ناشناخته‌انشان باشد که نیاکان کوروش بزرگ از آنجا برخاستند^{۱۴}.

در منطقه باستانی جلگه کارون سفلی چندین جای باستانی مانند سوسن، لردگان، و تپه‌های سلم، تور و ایرج وجود دارد که به قول لایارد و سویر هنوز ناشناخته مانده‌اند. بنا به روایت سویر آثار باستانی در قسمت‌های مرتفع بختیاری نایاب است.

در منطقه پیشکوه (لرستان فعلی) به جز غار (میدیان^{۱۵}) در محل سدران واقع در میان خرم‌آباد و منگره، آثار چشمگیر ساختمان‌های باستانی یافت نشده است^{۱۶}. نخستین ساکنان لرستان کاسی‌ها بودند که بابل را فتح کرده میان سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۶۵۰ پیش از میلاد بر آن سرزمین حکومت می‌کرده‌اند^{۱۷}.